

# Criticism of Kant's foundations regarding the relationship between faith and religious practice: with an emphasis on the opinion of Shahid Motahari

## Abstract

Omid Arjomand<sup>1</sup>  | Majid Tavakol<sup>2</sup> 

1. Department of Islamic Education, Faculty of Medicine, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran. E-mail: [omidearjomand@gmail.com](mailto:omidearjomand@gmail.com)

2. Department of Islamic Education, Faculty of Medicine, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran. E-mail: [Mtavakol.313@gmail.com](mailto:Mtavakol.313@gmail.com)

( Received : June 28, 2023 ; Revised : January 9, 2024 ; Accepted : January 16, 2024)

Article Info	ABSTRACT
<b>Article type:</b> Research Article	<i>One of the issues that has always been the subject of controversy between Islamic and Western theologians and philosophers is the issue of the relationship between faith and action. In all religions, their followers are asked to adhere to religion in addition to faith in action. Meanwhile, in his works, Kant considers human reason capable of drawing a comprehensive plan for his happiness and believes in a moral ritual itself. Relying on the power of reason to recognize principles and generalities, Motahari believes that human reason is not capable of drawing such a comprehensive road map and has criticized Kant's views on this matter. This article tries to express the damage caused to Kant's foundations regarding faith and religious practice. Among the harms that can be considered from the perspective of Kant to this idea are: reducing religious concepts to rational perceptions, not paying attention to the difference between Actual good and good actor, humanizing divine laws, wandering, being caught in the contradiction of idea and action, neglecting The root and origin of religious and moral actions, lack of separation between purpose and means and lack of separation between types of relationships.</i>
<b>Article history:</b>	
Received	
Received in revised form	
Accepted	
Published online	
<b>Keywords:</b>	
Faith	
religious practice	
Criticism	
Motahari	
Kant	

**Cite this article:** Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. Journal Title, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

**Publisher:** University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

## نقد مبانی کانت در رابطه ایمان با عمل عبادی: با تاکید بر نظر شهید مطهری

امید ارجمند<sup>۱</sup> | مجید توکل<sup>۲</sup> ✉

۱. گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، نام شهر جهرم، نام کشور ایران، رایانامه: [omidearjomand@gmail.com](mailto:omidearjomand@gmail.com)

۲. نویسنده مسئول، گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، نام شهر جهرم، نام کشور ایران، رایانامه: [Mtavakol.313@gmail.com](mailto:Mtavakol.313@gmail.com)

( تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۴/۰۷ ؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ )

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی <b>تاریخ دریافت:</b> <b>تاریخ بازنگری:</b> <b>تاریخ پذیرش:</b> <b>تاریخ انتشار:</b>	رابطه ایمان با عمل از مسائلی است که مورد بحث و اختلاف نظر میان فیلسوفان و متکلمان اسلامی و غربی بوده است. در همه ادیان از پیروان خود، خواسته شده که علاوه بر ایمان در مرحله عمل نیز به دین پایبند باشند. در این میان کانت در آثار خویش عقل انسان را قادر به ترسیم برنامه‌ای جامع برای سعادت خود می‌داند و معتقد به خود آیینی اخلاقی است. مطهری با تکیه بر قدرت عقل در تشخیص اصول و کلیات معتقد است که عقل بشری توانایی ترسیم چنین نقشه راه جامعی را ندارد و به نقد دیدگاه‌های کانت در این باره پرداخته است. این مقاله با استفاده از روش‌های توصیفی، تطبیقی و بالخصوص انتقادی درصدد بیان آسیب‌های وارده بر مبانی کانت در رابطه ایمان با عمل عبادی است. از جمله آسیب‌های که می‌توان از منظر مطهری به این ایده کانت وارد دانست عبارت‌اند از: تقلیل مفاهیم دینی به دریافت‌های عقلانی، عدم با روش‌های وجه به تفاوت بین حسن فعلی و فاعلی، بشری انگاشتن قوانین الهی، سرگردانی، گرفتاری در تناقض ایده و عمل، غفلت از ریشه و مبدأ افعال عبادی و اخلاقی، عدم تفکیک بین هدف و وسیله و عدم تفکیک بین انواع روابط.

**کلیدواژه‌ها:** ایمان، عمل عبادی، نقد، مطهری، کانت

**استناد:** نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>



© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

## مقدمه

تعریف و چیستی ایمان و رابطه و نسبت آن با عمل همیشه مورد توجه متکلمان و فیلسوفان مسیحی و اسلامی بوده است. ایمان صرفاً یک بحث نظری نیست بلکه به صورت مستقیم در مرحله عمل نیز تأثیرگذار است به طوری که عده‌ای ایمان را همان عمل به اعضا و جوارح می‌دانند (امام‌الحرمین، بی‌تا، ص ۱۱۳). در تاریخ اسلام، ایمان جزء نخستین مباحث در اندیشه اسلامی است (ابن تیمیه، ۱۴۱۸، ص ۱۵۸). بحث در مورد تعریف ایمان و عوامل تأثیرگذار در آن مسئله‌ای پر سابقه است به طوری که مسئله اخذ عمل در تعریف ایمان و کافر تلقی کردن یا نکردن فاسق تأثیر بسزایی در موضع‌گیری گروه‌های مختلف کلامی داشته است (شهرستانی، ۱۳۳۵، ص ۳۷).

در کلام مسیحی نیز ایمان مباحث پر دامنه‌ای را در پی داشته است و گروه‌های مختلفی بر سر مفهوم آن دچار اختلاف شده‌اند (فعالی، ۱۳۷۸، ص ۳۶). در این میان مسیحیت نیز تأکید دارد که فقط مؤمنان اهل نجات و رستگاری هستند. مسئله ایمان‌گرایی یا فیدئیسیم یکی از مباحث مهم در فلسفه دین و کلام جدید است به طوری که ایمان‌گرایی را در مقابل عقل‌گرایی قرار داده است. در ایمان‌گرایی حقایق دینی بر ایمان بنا نهاده شده و عقل راهی برای ورود به آن ندارد به طوری که آگوستین می‌گفت من ایمان می‌آورم تا بفهمم (عباسی، ۱۳۸۲، ص ۹۴).

نقطه مقابل این دیدگاه عقل‌گرایی حداکثری است. این گروه معتقد به هماهنگی متعلقات ایمان با عقل است بدین بیان که اعتقادات و امور دینی باید طوری باشد که همه عقلاً از لحاظ عقلی قانع شوند. در نگاه این گروه عقل قادر به فهم تبیین و اثبات مفاهیم دینی است (پیترسون و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۷۲).

در این میان عده‌ای پا را فراتر گذاشته مدعی شدند که عقل خود به‌تنهایی می‌تواند احکام مولوی صادر کرده و برای امور عبادی خویش نیز هیچ نیازی به دستورات دین ندارد. کانت یکی از طرفداران این نظریه است که معتقد به خود آیینی اخلاقی است. او با نفی برخی از مناسک و اعمال دینی، عقل را قادر به تدوین برنامه‌ای جامع بر اساس دستور اخلاقی خویش می‌داند (کانت، ۱۳۸۱، ص ۳۴).

در دیدگاه پذیرفته شده از منظر این پژوهش عقل هرگز به تنهایی توانایی انشای احکام مولوی را ندارد بلکه میان عقل و شرع لازمه دو طرفه و تلازم برقرار است. یعنی اگر عقل به یک مصلحت یا مفسده قطعی و یقینی پی ببرد و اصطلاحاً به ملاک و مناط واقعی به صورت قطعی و یقینی و بدون حدس و گمان دست یابد، می‌توان این حکم عقل را تحت عنوان «تنقیح مناط» پذیرفت. به عکس آن زمانی که عقل به مناط احکام دست پیدا نمی‌کند اما متوجه می‌شود که شارع در آنجا حکمی دارد، قبول می‌کند که در آنجا مصلحتی وجود داشته است والا شارع به آن حکم نمی‌کرد. از این رو می‌توان گفت که عقل به همان نحوی که از کشف مصالح واقعی حکم شرعی را کشف می‌کند، می‌تواند از کشف احکام شرعی به وجود مصالح واقعی پی ببرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۵۳).

در واقع در این نگاه «عقل چون ظاهر الفاظ کتاب و سنت کشاف و پرده بردار از احکام الهی است و همچنان که ظاهر قرآن و روایت فاقد مولویت هستند و عقوبت و پاداش ندارند بلکه بیانگر پاداش خدا و کیفر الهی‌اند، عقل نیز نسبت به قوانین فردی و جمعی فاقد چنین شأنی است. عقل احکام ارشادی دارد و حکم ارشادی تابع مرشد الیه است؛ اگر مرشد الیه امری واجب باشد حکم ارشادی عقل به آن به معنای این است که اگر انجامش دادی مصالح ملاکات و منافع حتمی آن نصیب تو می‌شود و اگر اعتنا نکردی فواید و مصالح ضروری‌اش از تو فوت می‌شود و اگر مرشد الیه امر حرامی باشد حکم ارشادی عقل به معنای آن است که ارتکاب حرام پیامدهای آن حرام را متوجه مرتکب می‌کند و مفسده‌ها و مضار نهفته در آن فعل دامن‌گیر او می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

در میان آثار به‌جای مانده در زمینه ایمان و عمل، تکیه بحث بر ایمان و عمل از منظر آیات و روایات بوده است. در میان پژوهش‌های انجام‌شده از منظر کانت نیز بیشتر بر دستور اخلاقی کانت و مباحث فلسفه اخلاق او پرداخته شده و به رابطه ایمان با عمل از منظر کانت اشاره‌ای نشده است. در میان پژوهش‌های انجام‌گرفته که به بررسی نظر مطهری و کانت پرداخته‌اند هیچ‌کدام به مقایسه انتقادی اعمال عبادی نپرداخته‌اند.

در این تحقیق بر اساس نظرات و آراء شهید مطهری به تحلیل، نقد و آسیب‌شناسی رابطه ایمان با عمل عبادی از منظر کانت می‌پردازیم. سؤال اصلی این تحقیق این است که چه نقدها و آسیب‌هایی بر مبانی رابطه ایمان با عمل عبادی از دیدگاه کانت وارد است؟ آیا رابطه سازگاری میان ایمان و عمل عبادی وجود دارد؟ آیا کانت می‌تواند از ساحت ایمان وارد ساحت عمل عبادی شود؟ چه معضلات و دشواری‌هایی در این زمینه برای کانت وجود دارد؟

یکی از فواید و اهمیت‌های این پژوهش بررسی جایگاه عمل عبادی نسبت به ایمان است. اهمیت بحث از این جهت آیا عمل عبادی جزئی از ایمان است؟ در این پژوهش ضمن پاسخ به این قسم از سؤالات به صورت نقادانه مبانی کانت در باب رابطه ایمان و عمل اخلاقی را از منظر مطهری آسیب‌شناسی خواهیم کرد. این مقاله در حیطه الهیات عقلی و نقلی و فلسفه اخلاق است و می‌توان موضوع آن را میان‌رشته‌ای محسوب نمود. روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای است و در تحلیل اطلاعات از روش‌های توصیفی، تطبیقی و انتقادی استفاده شده است اما محور روش، روش انتقادی است.

## ۱- چارچوب مفهومی

### ۱-۱. نقد مبانی کانت

نقد به معنای سنجش عیار سخن است. کانت به عنوان فیلسوفی تاثیر گذار در میان اندیشمندان نظرات مختلفی در باب عقل نظری، عقل عملی، ایمان و دیگر مسائل دارد. پذیرش یا عدم پذیرش این مبانی منجر به قبول یا عدم قبول لوازم آن نیز خواهد شد. در این مقاله مبانی کانت در مورد رابطه ایمان و عمل عبادی مورد نقد و سنجش قرار می‌گیرد. لازم است مغالطه‌ها و آسیب‌های مربوط به ایمان و عمل عبادی به دقت مورد مطالعه قرار گیرد تا توده‌های مردم و جوانان و حتی دانشجویان فلسفه و دین‌پژوهان گرفتار مباحث دین‌پژوهان منحرف نشوند. این بررسی‌ها و تحقیق‌های دقیق به ما کمک می‌کند تا با احتیاط در مواجهه با دستاوردهای دین‌پژوهان غربی عمل کنیم و عجولانه دستاوردهای مسیحیت را به اسلام تسری ندهیم (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۳۵).

### ۱-۲ ایمان

کانت در نقد عقل محض عبارتی دارد که به شدت در فهم ایمان از منظر وی به ما کمک می‌کند. کانت می‌گوید من با کنار زدن عقل (عقل نظری) تلاش کرده‌ام تا جا را برای ایمان باز کنم (Kant, 1965, p 29). در واقع کانت تلاش می‌کند تا ایمان را از رد و اثبات‌های عقلی مصون بدارد عقل نظری و شناخت را مقدمه و جزء ایمان به حساب نیاورد. کانت در تمهیدات به این مسئله اشاره می‌کند که با انتقال ایمان به حوزه عقل عملی، سلاح ملحدان در رد ایمان را از آنها می‌گیرد و الهیات و کلام را از مباحث نقدی محفوظ می‌کند (کانت، ۱۳۷۰، ص ۲۴۱).

### ۱-۳ عمل عبادی

کانت عمل عبادی به معنای مناسک و شعائر رسمی دینی را مورد بی توجهی قرار می‌دهد و شعائر و مفاهیمی مانند تجسد، فداشدن عیسی مسیح، گناه ازلی و از این قبیل موارد را تفسیر اخلاقی و عقلانی می‌کند. در زندگی نامه کانت نیز به این نگرش توجه شده است و در توصیف وی گفته شده است که به رغم اینکه به شدت متدین بود اما از هرگونه مراسم و آداب ظاهری دینی پرهیز داشت (کورنر، ۱۳۶۷، ص ۲۳-۴۳). در واقع تفسیر کانت از عمل عبادی، یک نوع قانون اخلاقی بود.

## ۲- رابطه ایمان و عمل عبادی

### ۲-۱ رابطه بین ایمان و عمل عبادی از منظر کانت

کانت مابعدالطبیعه را ناتوان از پاسخ به مباحث بنیادین مانند وجود خدا، جاودانگی نفس و اراده آزاد می‌داند (هارتنامک، ۱۳۹۴: ۱۰) و به نقد عقل نظری می‌پردازد. کانت بحث از این مسائل را به حوزه عقل عملی منتقل می‌کند و سعی می‌کند در یک سازواره منظم این مقولات را با عقل عملی و اخلاق تبیین نماید (کانت، ۱۳۷۰: ۲۲۲-۲۲۳).

وی با طرح و تعریف عقل عملی و تمایز نهادن میان عقل عملی از عقل نظری، فلسفه اخلاق جدیدی را پی ریزی می‌کند. او معتقد است که تنها چیزی که مطلقاً و بدون هیچ قیدی خیر است، «اراده نیک» است. اراده نیک نیز بر اساس عمل به «تکلیف» به دست می‌آید و باید میان عمل به تکلیف و عمل مطابق با تکلیف تمایز قائل شد. مثلاً شاید شخصی نه برای تکلیف بلکه برای کسب مشتری گران فروشی نکند یا خوش اخلاق باشد. کانت در توضیح احترام به قانون را مطرح می‌کند و بیان می‌کند که عمل کردن به خاطر احساس احترام به قانون همان تکلیف است. قانون و قوانین اخلاقی کلی‌اند و اراده‌ای که به این قوانین تعلق می‌گیرد زمانی نیک است که بر اساس «امر مطلق» باشد و در تعریف امر مطلق گفته است: «فقط یک امر مطلق وجود دارد و آن این است که فقط بر طبق قاعده‌ای عمل کن که به وسیله آن بتوانی اراده کنی که آن قاعده یک قانون کلی و عمومی بشود». کانت معتقد است که برای رسیدن به امر مطلق باید یک غایت مطلق وجود داشته باشد که اراده برای رسیدن به آن غایت مطلق عمل نماید و آن غایت مطلق عبارت است از اینکه: «طوری رفتار کن که انسانیت، خواه در شخص خودت یا در دیگران غایت رفتار باشد نه وسیله» (kant, 1972: 59-66; کاپلستون، ۱۳۹۳: ۳۲۲-۳۳۱).

بر این اساس در فلسفه کانت موجود عاقل از «امر کلی و نامشروط» و نیز از «امر به غایت بالذات شمردن انسان» تبعیت می‌کند و این امر حاکی از آن است که انسان خود و عقل خود را منشأ، خاستگاه و واضع قانون و اصل اخلاقی می‌داند. از این رو کانت انسان را در اخلاق و مناسک «خود آیین» می‌داند و معتقد است که انسان نمی‌تواند «دگر آیین»

باشد. او باید از آنچه خودش وضع کرده تبعیت کند و آنچه دیگران تدوین کرده‌اند را صرفاً به شرط انطباقشان با مصوبات عقلی خودش بپذیرد (کانت، ۱۳۸۱، ص ۲۶). از نظر او کلیسا به جای اینکه مروج گوهر عقلانی و اخلاقی دین باشد و فضیلت را رواج دهد بر عبادت ظاهری و آداب و مناسک تاریخی تأکید دارد. او عمل عبادی بر مبنای ایمان را برده‌وار می‌خواند که محصول ترس از خدایی موهوم است. کانت معتقد است تأکید کلیسا بر دین تعلیمی و آموزه‌هایی است که خود به مردم تعلیم می‌دهد و اهتمامی به دین طبیعی که مبتنی بر اخلاق و عقل و در واقع کلیسای باطنی است ندارد. از نظر او انسان در این مسیر به جای اینکه به باشنده کامل آسمانی ایمان داشته باشد، به ریاضت، تشریفات و روزه‌داری می‌پردازد. بنابراین ایمان به خدا به این معناست که هر آنچه در توان داریم انجام دهیم و امیدوار باشیم که خداوند هر آنچه را که در توان ما نیست اصلاح کند بدون اینکه تضمینی برای این امید وجود داشته باشد (همان، ص ۳۱۳).

از نگاه کانت اخلاق نیز بر دین مقدم است و دین در ابتدا باید به مراعات قانون اخلاقی دعوت کند تا ایمان به خداوند را به عنوان محصول آن درو کند. دین مورد نظر او به معجزه نیز نیاز ندارد چراکه ملاحظه و مراعات قانون اخلاقی برای تثبیت و تحکیم آن کافی است (همان، ص ۱۱۹).

## ۲-۲ رابطه بین ایمان و عمل عبادی از منظر مطهری

گفته شد که از منظر کانت در افعال عبادی باید به مدد عقل تکالیف و وظایف خود را مشخص کنیم و خود آیین باشیم به جای اینکه دیگر آیین باشیم. از نگاه مطهری کانت دچار تندروی در برخورد عقلانی با تعالیم دینی شده است. بیان مطهری از روش برخورد عقلانی با تعالیم دینی با دو بیان قابل تصور است. نخست منظور ایشان از برخورد عقلانی با تعالیم دینی به معنای درک کلی اصول و تعالیم آن است. مطهری با نقد مبانی اشعری‌گری، اهل حدیث و حنابله که قائل به عدم پرسش از مبانی، مقاصد، معارف و احکام الهی بودند و همچنین در دستورات عملی نیز قائل به این بودند که عقل توانایی دسترسی به مقاصد شارع را ندارد و باید در احکام در همین شکل‌ها متوقف شود بیان می‌کند که آنها با این روش برخورد عقلانی با دین شکل را از محتوا و ظاهر را از باطن و وسیله را از هدف جدا کرده و فقط ظاهر و شکل را برجسته می‌سازند. مطهری تأکید می‌کند که همواره راه برای جست‌وجوی از اصول و کلیات آموزه‌های دینی هموار است. او به طور نمونه به وظیفه مسلمانان در به‌کارگیری اصول و کلیات آموزه‌های قرآن در هر عصر و زمانی اشاره می‌کند (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۳۳۲-۳۳۶ و ۳۸۹).

نکته دومی که مطهری به آن در برخورد عقلانی اشاره می‌کند این است که تعالیم اسلامی هیچ‌گاه با مفاهیم و موازین عقلی در تضاد نیست و در هر آزمایش عقلانی سربلند است (همان، ج ۱۷، ص ۳۲۵). ایشان در ادامه بیان می‌کند که

جهان‌بینی‌ای که مبنای ایمان قرار می‌گیرد باید با اصول و مبانی عقلی و علمی سازگار باشد وگرنه محکوم به شکست است (همان، ج ۲، ص ۳۱). نکته نهایی ایشان در این مسئله این است که از منظر اسلام کسی که تعقل نمی‌کند هرگز رستگار نمی‌شود (همان، ص ۲۴۴).

در مجموع مطهری با این نظر که دستورات اخلاقی به‌عنوان دستورات عقلانی کلیت پذیر باعث خود آیینی‌کانتی شوند را نمی‌پذیرد. مطهری با تأکید بر اینکه احکام بدیهی و صریح عقل عملی و تکیه بر آن برای تبیین اوامر و نواهی انسان را بی‌نیاز از وحی و هدایت از طرف خداوند نمی‌کند بیان می‌کند که عقل‌گرایی مورد نظر اسلام همواره زمینه‌ساز دین و ایمان به خداوند و پیروی از دستورات او می‌شود (همان، ص ۵۵).

### ۳- بیان آسیب‌ها

#### ۳-۱ آسیب تقلیل مفاهیم دینی به دریافت‌های عقلانی

مطهری برای بیان این آسیب بحث را از خودکفایی بشر آغاز کرده و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا بشر می‌تواند طرحی کلی برای همه مسائل زندگی خویش که منطبق بر مصالح باشد تدوین کند (همان، ص ۵۴)؟ مطهری پاسخ می‌دهد که برخی از فیلسوفان به این خودکفایی معتقد بوده‌اند (همان، ص ۵۵). از جمله این فیلسوفان کانت است که مورد نظر مطهری است. مطهری این خودکفایی را مردود می‌شمارد و تبیین می‌کند که در جهان دو فیلسوف یافت نمی‌شود که در پیدا کردن این راه سعادت و وحدت نظر داشته باشند. در بیان او مفهوم سعادت و شقاوت نیز مفهومی ناشناخته است. از طرفی انسانی که خودش هنوز ناشناخته مانده چگونه طرحی جامع را می‌تواند پی‌ریزی کند و از طرف دیگر زندگی اجتماعی انسان با هزاران مشکلات جدید و به هم پیوسته بودن این اجتماع باعث می‌شود که در تعیین راه سعادت و در تعیین ملاک‌های خیر و شر نتواند راه خود را از بقیه جدا کند و اگر مسئله حیات ابدی را نیز به آن بیفزاییم به شدت کار مشکل می‌شود (همان، ص ۵۵).

بنابراین از نظر مطهری دریافت‌های عقلانی بسیار محدود است ولی آموزه‌های دینی نگاهی همه‌جانبه دارد، هم مسائل فردی را شامل می‌شود و هم اجتماعی را، هم دنیا را در نظر دارد و هم آخرت را و بیانگر احاطه کامل به استعدادها و نیازهای فرد و جامعه است.

#### ۳-۲ آسیب عدم توجه به تفاوت بین حسن فعلی و فاعلی

از نظر مطهری اینطور نیست که هر چه باشد فقط فعل و عمل است و فقط هموست که ذوالمقدمه حساب می‌شود و مباحث نظری فقط به‌عنوان مقدمه تأثیر دارند بلکه از نظر ایشان اصالت فکر و نیت از اصالت عمل کمتر نیست.



از منظر ایشان انسان با هر عمل اختیاری از قوه به‌سوی فعل حرکت می‌کند و اثری متناسب با مقصود خود دریافت می‌کند و این اثر جزئی از شخصیت او می‌شود و انسان را به عالمی متناسب با عمل خود از عوالم وجود می‌برد. حسن و قبح فعلی به اثر خارجی و حسن و قبح فاعلی به کیفیت صدور آن بستگی دارد. از نظر ایشان بعد داخلی و روانی هم جزء کیفیت عمل محسوب می‌شود (همان، ج ۱، ص ۲۹۷).

پویمن نیز تقریباً همین اشکال را به کانت وارد کرده است. کانت معتقد بود که اراده نیک، تنها خیر بالذات است. در حالی که اراده نیک (حسن فاعلی) ممکن است نتایج بدی را در پی داشته باشد (یعنی لزوماً حسن فاعلی، حسن فعلی را در پی ندارد). بلکه اراده نیک شرط لازم عمل خوب اخلاقی است، اما شرط کافی نیست (Pojman, 1999, p 138).

### ۳-۳ آسیب سرگردانی

کانت معیار رسیدن به قاعده عملی را دو چیز می‌دانست: یکی اینکه هر فاعلی بتواند به آن عمل کند، یعنی امکان انجام آن در طبیعت وجود داشته باشد و دیگر اینکه فاعل بتواند آن را به عنوان یک قانون کلی که همه بدان عمل کنند در نظر بگیرد، یعنی از لحاظ ذهنی برای فاعل قابل پذیرش باشد (کورنر، ۱۳۶۷، ص ۲۶۸-۲۸۸). اشکال وارد بر کانت این است که در شرط دوم اتلاف نظر و سرگردانی بین افراد به وجود می‌آید (اترک، ۱۳۸۹، ص ۲۰).

مطهری با بیان این مطلب که انسان همواره در زندگی خود با مسائل اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌شود و ناچار است که در برابر آنها عکس‌العمل خاصی نشان دهد تأکید می‌کند که اگر فرد به مکتب خاصی ایمان و التزام نداشته باشد همواره در تردید و دودلی به سر می‌برد و به این سو و آن سو کشیده می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۹). این چنین انسانی نمی‌تواند زندگی سالمی داشته باشد چراکه همواره یا دچار تردید است یا در خودخواهی و ناهماهنگی به سر می‌برد. اما از نظر ایشان تنها چیزی که انسان را نجات می‌بخشد و از سرگردانی و خودخواهی نجات می‌دهد ایمان دینی و مذهبی است (همان، ص ۴۰).

### ۳-۴ پاسخ به یک شبهه

شاید سؤالی در این میان پیش آمده باشد که چگونه مطهری از طرفی عقل را معیار و میزان و محک ارزیابی اندیشه‌ها قرار می‌دهد و از طرفی او را از تدوین یک قانون جامع و برنامه کلی برای سعادت دنیا و آخرت عاجز می‌داند. آیا مطهری یک عقل‌گرا به شمار می‌آید؟

پاسخ این است که مطهری از یک طرف عقل را رسول باطنی می‌داند و از طرف دیگر بیان می‌کند که عقل نمی‌تواند به تمامی خبرهای آسمانی دسترسی داشته باشد بنابراین بشر نیازمند به وحی است (همان، ص ۲۴۴).

مطهری در مباحث عقل نظری به این مطلب معتقد است که وحی بشر را مجبور به تبعیت از دستورات نمی‌کند بلکه با طرح درس‌هایی بی‌نظیر انسان را تحریک به استفاده از منبع لایزال وحی می‌کند (همان، ج ۹، ص ۱۰۴۰). در مباحث عقل عملی نیز ایشان تأکید می‌کند که اسلام احکام صریح عقل را محترم می‌شمارد و آن را پشتوانه تعالیم خود می‌داند. به‌طور مثال حسن عدالت و قبح ظلم از احکام ضروری عقل عملی است (همان، ج ۴، ص ۹۵۵) که هم ریشه‌ای فطری دارد و هم اسلام به آن دستور داده است (همان، ج ۲، ص ۱۷۹) به‌طوری‌که این حسن و قبح‌ها ملاک‌های احکام در فقه اسلامی قرار گرفته است (همان، ج ۱، ص ۵۷).

بنابراین پاسخ‌گویی وحی به نیازهای آدمی مستلزم تعطیل عقل نیست و این روش و شیوه وحیانی که هدایت هستی را به عهده گرفته است به مدد منطق است. (همان، ج ۲، ص ۶۵) توجه به این نکته لازم است عقلی شمردن دین به معنای فرو کاستن تعالیم دینی به دریافت‌های عقلانی نخواهد بود بلکه به این معناست که می‌توان اصول و کلیات دین را توسط عقل فهم کرد و دلایل آن را بررسی کرد (همان، ج ۲۲، ص ۳۸۵). بر مبنای این توضیح عقل را هم معیار و غربال می‌نامند و هم مستقل شمردن عقل را امری ناپسند می‌دانند (همان، ج ۲، ص ۵۶).

### ۳-۵. اخلاق کانتی حالت وارونه اخلاق دینی است

کانت سعی می‌کند فارغ از دین، نظریه اخلاقی و عمل عبادی انسان را تبیین نماید اما در واقع مباحث او مبتنی بر دین و اصول الهیاتی است. هرچند که کانت در ابتدای مباحث خود مفهوم تکلیف را مطرح می‌کند و آن را مستقل از دین و هر چیزی می‌داند اما در در پایان بیان می‌کند که تکلیف از خدا صادر شده است. به بیان دیگر می‌توان گفت اخلاق مباحث کانت حالت دگرگون شده اخلاق دینی است. یعنی اخلاق مسیحی با ایمان به خدا که متکی بر وحی است شروع می‌شود و در نهایت به تکلیف که اراده خداوند است منتهی می‌شود. کانت این رویکرد را وارونه کرده است و از تکلیف شروع کرده است و در نهایت به خداوند می‌رسد و تمامی مشکلات و نقدهای وارد بر کانت به خاطر این وارونگی است (Acton, 1974, p 362).

### ۳-۶. دوگانگی کانت در نسبت با دین و مناسک دینی

کانت در نقد دین و مناسک دینی رویکرد دوگانه‌ای دارد. وی در کتاب نقد عقل محض و تمهیدات تحت تأثیر هیوم میان الهیات وحیانی و الهیات طبیعی تمایز قائل می‌شود و بر این باور است که الهیات وحیانی مبنای درستی برای دین نیست و الهیات طبیعی ما را بهتر به این هدف می‌رساند. اما کانت در آثار پایان عمر خود در یک تقسیم بندی گوهر دین را با دو بیان معرفی می‌کند؛ یکی دین وحیانی که با کثرت و مناسک همراه است و کلیسا بر آن اهتمام دارد و دیگری دین اخلاقی که دارای وحدت و مبتنی بر عقل است. لذا نمی‌توان کانت را به‌تمامه مخالف دین دانست؛ او هم مخالف جزم

گرایی است و هم مخالف شکاکیت و الحاد (Engelhard, 2011, p 205). این دوگانگی و دست نیافتن به یک نظام جامع و منسجم می‌تواند به عنوان یک نقیصه در اندیشه کانت محسوب شود.

### ۷-۳. عدم ارتباط مناسک دینی با خود مختاری انسان

بر اساس مبانی خود کانت لازم نیست که مناسک دینی انکار و کنار گذاشته شوند. کانت معتقد است که انسان باید در طلب برترین خیر باشد و تمایلات مادی مانع رسیدن انسان به این قداست و تعالی‌اند. از این رو انسان در یک سیر بی‌نهایت به سمت این قداست حرکت می‌کند. با توجه به اینکه کانت تمایلات حسی را مانع رسیدن به این قداست می‌داند باید راهکاری را برای غلبه به آن پیشنهاد می‌کرد زیرا صرف اینکه عقل عملی احکامی را صادر کند و تمایلات نیز مانع تحقق آنها شوند برای اخلاقی شدن کفایت نمی‌کند. اما دین در این رابطه مناسک مستمر دینی را پیشنهاد کرده است و با تمرکز و تمرین این مناسک انسان امکان غلبه بر تمایلات نفسانی و تحقق احکام عملی را پیدا می‌کند. همچنین مناسک دینی و مذهبی منافاتی با خودمختاری انسان ندارد، زیرا التزام به آنها برخاسته از عقل خود انسان است (محمدرضایی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۶-۲۷۷).

### ۸-۳. اوامر خدا و مناسک دینی گزارف نیستند

کانت چنین تصور می‌کند که خداوند موجودی بیگانه از انسان است که با قدرت مطلق خود انسانها را مجبور می‌کند که به امید ثواب و ترس از عقاب اوامر گزارف وی را تمکین کنند و این فرامین و عمل به آنها ارزش اخلاقی ندارد. اما بنابر نظر خود کانت خداوند برترین خیر است که دارای فضیلت و سعادت به صورت اکمل می‌باشد. اراده او مقدس است و موجودی عقلانی، نامتناهی و دارای علم و قدرت نامتناهی است. با این توضیحات اگر اوامر عقلی ما انسانها که موجوداتی محدود از لحاظ عقلی، علمی و قدرت هستیم، واجب الاجرا است به قیاس اولویت فرامین خداوند نیز واجب الاتباع است و منافاتی با خود مختاری انسان ندارد. همچنین انگیزه بسیاری از کسانی که خداوند را اطاعت می‌کنند امید و ترس نیست، بلکه چون این اوامر مستند به موجود عاقل نامتناهی است به آن عمل می‌کنند و ثابا امید و ترس زمانی منافات با اخلاق دارد که برخاسته از عقلانیت نباشد در صورتی که در اینجا مفید بودن آن با عقل خود انسان فهم می‌شود و منافاتی با خود مختاری انسان ندارد (همان، ص ۲۷۸-۲۷۹).

### ۹-۳. تناقض نسبت به فرمان‌های الهی

کانت در برخی مواقع خداوند را قانون گذار عالم می‌داند و بر این باور است که اوامر الهی به خاطر عشق اطاعت می‌شود و بیان می‌کند که در اینجا اگر فرمان الهی را مخالف میل و نظر خود یافتیم، باید این را به حساب محدودیت

فاهمه بدانیم نه ماهیت فرمان خداوند. از طرف دیگر کانت قوانین اخلاقی را اموری وجدانی می‌داند که حتی خداوند نیز تاب آنهاست و خداوند نباید از قبل نیک و بد را مشخص کند و آن را به عنوان وظیفه معرفی نماید (مهرنیا، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵). این تناقض و دو گانه گویی نیز یکی دیگر از مشکلات و انتقاداتی است که به کانت وارد است.

### نتیجه‌گیری

مبنای نظریه خود آیینی اخلاقی کانت بر مستقل بودن عقل انسان در برنامه‌ریزی برای سعادت جاودانی و بی‌نیازی از تعالیم دینی است. درک عقلی تعالیم دینی از منظر مطهری شاخصه‌هایی دارد که بدون رعایت آنها این درک، درک صحیحی نخواهد بود. سازگاری تعالیم دینی با موازین عقلی، توجه به لغزشگاه‌های فکری، ضدیت با آنچه ضد عقل است و تکیه بر بدیهیات عقلی از جمله این شاخصه‌هاست. در مورد خود آیینی اخلاقی کانت، مطهری می‌پذیرد که دستورات اخلاقی به مثابه دستورات عقلانی کلیت پذیر، غیر مشروط و نافی مناسبات سلطه در میان انسان‌ها باید باشد اما این امر، مستلزم خود آیینی کانتی نمی‌شود. به بیان دیگر مطهری ضمن باور به بدیهیات عقل عملی و کاربست آنها جهت توجیه و تبیین اوامر و نواهی دیگر، اخلاق انسان بی‌نیاز از هدایت و وحی الهی نمی‌داند و از «این» به «آن» پل نمی‌زند. عقل‌گرایی وی زمینه را برای دین هموار می‌سازد.

همچنین مطهری عقلی شمردن دین را فرو کاهش تعالیم دینی به دریافت‌های عقلانی نمی‌داند و آنچه مشکل‌آفرین است چنین فرو کاهشی است. در واقع مطهری بر این باور است که به کمک احکام صریح عقل (نظری و عملی) می‌توان دین را حداقل در کلیات و اصول فهم و تبیین نمود و در باب استدلال‌های آن بحث و مجادله کرد. بر این اساس مطهری از طرفی عقل را معیار و محک و غربال می‌داند و از طرفی مخالف با خودکفا و خودبسنده شمردن آن است.

بنا بر خود آیینی کانت انسان با قوه تفکر خود تکلیف خود را تشخیص می‌دهد و نیازمند آداب و رسوم کلیسا، عبادات و ... نیست. از این رو چون عقل به تنهایی می‌تواند مسیر خویش را تشخیص دهد، نیازی به بعثت انبیا و وحی نیست. همچنین لازم می‌آید که دستورات عبادی با تغییر زمان‌ها، تغییر یابند. مطهری معتقد است جدایی و تباینی میان دستور عقل و وجدان و دستور وحی وجود ندارد. اساساً ریشه و سرچشمه همه این دستورها از حس خداشناسی انسان نشأت می‌گیرد. بنابراین مطهری معتقد است کانت مفاهیم مفاهیم دینی را به دریافت‌های عقلانی تقلیل داده است و توجه کافی به تمایز میان حسن فعلی و فاعلی نداشته است. شوپنهاور معتقد است کانت همان اخلاق و اعمال دینی را وارونه کرده است، دیگر اندیشمندان نیز ندهایی از قبیل، سرگردانی، دوگانگی کانت در نسبت با دین و مناسک دینی عدم ارتباط مناسک دینی با خود مختاری انسان، اوامر خدا و مناسک دینی گزاف نیستند و تناقض نسبت به فرمان‌های الهی را مطرح کرده‌اند.

## کتاب‌نامه

- ابن تیمیه (۱۴۱۸)، الایمان، تحقیق محمد ناصرالدین الالبانی، بیروت: موسسه الرساله.
- اترک، حسین (۱۳۸۹)، نگاهی انتقادی به اخلاق کانت، نشریه جستارهایی در فلسفه و کلام، شماره ۸۵، ۹-۳۶.
- امام‌الحرمین، عبدالملک بن عبدالله (بی تا). الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد، مصر.
- پیترسون، مایکل و دیگران (۱۳۸۷). عقل و اعتقاد دینی، ترجمه نراقی، احمد و سلطانی نسب، ابراهیم. تهران: طرح نو.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، تحقیق و تنظیم احمد واعظی، قم: اسراء.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۳۵)، الملل و النحل، ترجمه ترکه اصفهانی، علی بن محمد؛ و تصحیح جلالی نائینی، محمدرضا [بی جا: بی نا].
- عباسی، ولی الله (۱۳۸۲)، فیدئیسیم، مجله علمی تخصصی معرفت، شماره ۶۷، ۹۴-۱۰۲.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۱)، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات (ویرایش ۳). تهران: بدر.
- فعالی، محمدتقی (۱۳۷۸)، ایمان دینی در اسلام و مسیحیت، تهران: کانون اندیشه جوان.
- کاپلستون، چارلز (۱۳۹۳)، تاریخ فلسفه، ج ششم، مترجم اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

کانت، ایمانوئل (۱۳۸۱)، دین در محدوده عقل تنها، ترجمه صانعی دره بیدی، منوچهر، تهران: نقش و نگار.

کانت، ایمانوئل (۱۳۷۸)، درسهای فلسفه اخلاق فلسفه، ترجمه صانعی دره بیدی، منوچهر، تهران: نقش و نگار.

کانت، ایمانوئل (۱۳۷۰) تمهیدات (مقدمه‌ای بر هر مابعد الطبیعه که به‌عنوان یک علم عرضه شود)، مترجم غلامعلی

حداد عادل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کورنر، اشتفان (۱۳۶۷)، فلسفه کانت، ترجمه عزت اله فولادوند، تهران: خوارزمی.

محمدرضایی، محمد (۱۳۷۹)، تبیین و نقد فلسفه اخلاق کانت، قم: موسسه بوستان کتاب.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (ج ۱-۲۹)، تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، یادداشتهای شهید مطهری (ج ۱-۱۲)، تهران: صدرا.

مهرنیا، حسن (۱۳۹۲)، تبیین، بررسی و نقد اندیشه دینی کانت، نشریه نقد و نظر، سال هجدهم (شماره ۳)، ۸۸-۱۰۸.

هارتنامک، یوستوس (۱۳۹۴)، نظریه معرفت در فلسفه کانت، مترجم غلامعلی حداد عادل، تهران: هرمس.

Acton, H.B (1974), Kants Moral Philosophy, in: New Studies in Ethics, Macmillan  
publisher.

Dudleg, Will & Engelhard Kristina (2011), Immanul Kant, Key Concept, Acu-men  
publisher.

Kant, Immanuel (1972), Groundwork of Metaphsic, tr: paton, H.J PP, 53-123, In: The  
Moral Law, Hutchinson University Library.

-Pojman, Louis. P. (1999), *Ethics, Discovering Right and Wrong*, Wadsworth Publishing Company.

Immanuel Kant (1965), *Critique of Pure Reason*, translated by Norman Kemp Smith, New York.

## References

Abbasi, Wali Allah (2003), *Fideism*, *Journal of Marafet*. 67. 94-102. (in Persian).

al-Juwayni (1950). *Al-Irshad*. Egypt: maktabat althaqafat aldiyniati Publishing (in Arabic).

Atrak, Husayn (2011). *A Critical Look at Kant's Ethics*. *Journal of Essay in Philosophy and Kalam*. 85(2). 9-36. (in Persian).

Caplestone, Charles (2013), *History of Philosophy*, 6th volume, translated by Ismail Saadat and Manouchehr Bozorgmehr, Tehran: Sherekat Entesharat Elmi va Farhangi. Publishing. (in Persian).

Faali, Mohammad Taqi (1999), *Religious Faith in Islam and Christianity*, Tehran: Canon ).Andisheh Javan Publishing. (in Persian)

Farjad, Mohammad Hossein (1992). *social pathology and sociology of deviance* (3rd edition). Tehran: Badr Publishing. (in Persian).

Hartnack, Justus (2014), *Kant's theory of knowledge*, translated by Gholam Ali Haddad Adel, Tehran: Hermes Publishing. (in Persian).

Ibn Taymiyya (1418). *Kitab al Iman*, Verified by Muhammad Nasir al-Din al-Albani, Beirut: moasesa al-Resale Publishing. (in Arabic).

Javadi Amoli, Abdullah (2009). *The Role of Intellect in the Geometry of Religious Knowledge*. research and editing by Ahmad Vaezi. Qom: Esra Publishing. (in Persian).

Kant, Emanuel (1991). *Prolegomena to Any Future Metaphysics*, translated by Gholam Ali Haddad Adel. Tehran: markaz nashr danshgahi Publishing. (in Persian).

Kant, Immanuel (2002), *Kant's Lectures on Ethics*. translated by Sanei Dareh Bedi, Manouchehr, Tehran: Naqsh and Negar Publishing. (in Persian).

Kant, Immanuel (2002), Religion within the Limits of Reason Alone. translated by Sanei Dareh Bedi, Manouchehr, Tehran: Naqsh and Negar Publishing. (in Persian).

Khosropanah, Abdul Hossein (2008), Research Religious Cintemporary of Phathology, ).Tehran: Farang and Andishe Islami Publishing. (in Persian

Koerner, Ashtafan (1988). Kant's philosophy. translated by Ezzatullah Fouladvand. Tehran: Khwarazmi Publishing. (in Persian).

Mehrnia, Hassan (2013). An Examination of Kant's Religious Thought. Journal of Naqd va Naza Philosophy and Kalam. 18(3). 88-108. (in Persian)

Mohammad Rezaei, Mohammad (2000), explanation and critique of Kant's moral philosophy, Qom: Bostan Kitab Publishing. (in Persian).

Motahari, Morteza (1993), collection of works of master Shahid Motahari (Vol. 1-29), Tehran: Sadra Publishing. (in Persian).

Motahari, Morteza (1999), Notes of master Shahid Motahari (Vol. 1-12), Tehran: Sadra ).Publishing. (in Persian

Peterson, Michael and Others (2008). Reason and Religious Belief. Translated by Naraqj, Ahmed and Soltani Nasab, Ibrahim. Tehran: Tarhe nu Publishing. (in Persian).

Shahrastani, Muhammad bin Abd al-Karim (1917), Al-Mill and Al-Nahl, translated by Turke Isfahani, Ali bin Muhammad; and the correction of Jalali Naini, Mohammad Reza ).n d]. (in Persian[